ف، هیرمند ۲۰۱۶/۰۵/۱۱

«نفرت» و «تبلیغ نفرت»

قسمت دوم و اخیر

نفی تبلیغ نفرت و ممنوعیت آن یکی از دستاورد های تجارب جنگ های جهانی اول و دوم (1914- 1918 و1939- 1945) است؛ جامعۀ بی تجربه و نا آشنا به اثرات مخوف رسانه های جمعی آن وقت (نشرات طباعتی، رادیو، سینما، نمایشات تیاتر و...) بی هر قید و بندی، بدون رعایت هر ارزشی به تبلیغ و نشر هر آنچه می خواستند، اقدام میکردند، در این گروه ها فاشیست ها، نازی ها و افراطی های از هرنوع و هر ایدیولوژیی، برای برحق بودن خویش، از وسایل رسانه های جمعی، به حیث سلاح تسخیرارواح و روان پیروان ایشان وقتل عام ارزش های اصیل و طبعی در اذهان مردم کار می گرفتند، تا آن حد که قتل عام ده ها میلیون انسان و یا کشتار انسان و امحاء، شکنجه، سوزانیدن انسان ها، به نحوی در ذهنیت عمومی قابل توجیه!! عادی و بدون گناه و تقصیر تلقی می شد.

آن دانشمندان، حقوقدانان وعلمای علوم اجتماعی که به جمع آوری اثرات و ثمرات انسانی جنگ دوم جهانی پرداختند، نفی کامل اعمال و روش های متعددی را که برعلیه ارزش های اصلی انسانی قرارداشتند، فهرست و جمع آوری کرده و آنرا یکی از دستاورد های مهم نتایج جنگ های اول و دوم جهانی دانستند که به بهای خون ده ها میلیون انسان بدست آمده بود.

در جملۀ این دستاورد ها یکی هم منع تبلیغ نفرت است که در میان ارزش های بدست آمده دیده می شود، که با درنظر داشت عواقب خطرناک بالقوه و بالفعل، آن دریکی ازاسناد بسیارفراگیر و بااهمیت حقوق بشری یعنی « میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی »مصوب 1966 اسامبله عمومی ملل متحد در مادۀ 20 آن به این شرح گنجانیده شده است : « 1 - هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است

2 - هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه ***(تنفر)*** ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یامخاصمه یااعمال زورباشد به موجب قانون ممنوع است.»

این ماده با وجود تمام سادگی و بی آلائیشی آن، حقیقت جدیی را بازگو میکند، اینکه جوامع انسانی تا هنوز شیمۀ آنرا دارد تا با نیروی تباه کن "نفرت" حوادث تکان دهنده ای را به بار بیاورد.

به کارگیری نفرت برای توجیه امیال سیاسی، ایدیولوژیک، نژادی، مذهبی، قومی، فرهنگی، زبانی و... میان افراد خودی ، و یا تحریک کینه و نفرت میان افراد جانب مقابل، تبلیغ نفرت بدون آدرس مشخص، بر علیه انسان و انسانیت منع گردیده است. چه تبلیغ نفرت محرک خطرناک تحریک خشونت(خشونت فکری و اندیشگی و خشونت فزیکی) می باشد.

گرچه در بسیاری از قوانین جزایی کشور ها (منجمله قانون جزای افغانستان – برخی از مواد فصل دوم کتاب دوم به خصوص مادۀ 233 -) تبلیغ نفرت و تبلیغ برای اعمال خشونت و دهشت جرم شناخته می شود، مگر درعمل فقط همانانی مورد تعقیب قرار میگیرند که عمل فزیکی ناشی از تبلیغ نفرت و کینه را به اجرا گذاشته اند و تبلیغ ایشان عملاً باعث بروز خشونت شده باشد.

وقایع مانند نسل کشی های کوسوو و فجایع "بوسنی هرزه گووین(یوگوسلاوی سابق)، کشتار های "رواندا" در افریقا، و مثال های دیگر...

این قتل عام ها همه یک باره به وقوع نه پیوستند، آناً روی نه دادند؛ برای اجرا و ارتکاب آن لازم بود، سال ها و ماه ها تبلیغ به عمل آید تا کشتارگران، ارادۀ آن قتل عام ها را پیدا کنند و عنصر معنوی یا غیر مادی نزد ایشان پدید آید و به درستی و ضرورت فعلی که اجرا می نمایند، متیقن!! شوند.

گرچه هنرمندان انسان گرا نیز در زمینۀ نفرت زدایی میان انسان ها کار های ماندگاری انجام دادند، و سعی کردند دست آدم هایی را که دهه های متعدد فقط به کشتن همنوع خود عادت کرده بودند را گرفته و به دنیای پاکیزۀ انسانیت برگردانند، حقوقدانان با تعریف حوزۀ حقوق انسانی و معرفی این حوزه به مثابۀ اصول و ارزش های

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اجتناب ناپذیر انسان، کار جاودانه ای را انجام دادند و این اصول را به صورت خطوط عمدهٔ شرایط اجرای اعمال سیاسی، حکومتداری، روابط بین المللی، فعالیت های نظامی و... قرارداده و آنها را در اسناد معتبر بین المللی گنجانیدند.
منع و قطغن کردن «نفرت» در مادهٔ 20 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از این جهت حایز اهمیت است که تأریخ جامعهٔ بشری، قبلاً اِعمال و اجرای آزادی تبلیغ برای نفرت را در خود تجربه کرده است، این تلاش به منظور آن بوده است تا جو و فضای جامعه از ایجاد عنصر معنوی خشونت (در هیأت معنوی و مادی آن) مصون بماند.
وجود، تعصب، تبعیض و فقدان برابری و تساوی در زمینه های مختلف حقوق و وجائب افراد در جامعه و فرهنگ آن، بستر مطمئن برای تولد و رشد نفرت تشخیص شد ه است، تعصب یعنی داشتن این عقیده که ما، کردار و پندار ما، بهترین ها هستیم و کردار و پندارگروه مشخصی از بدترین ها اند، هر چه ما میگوئیم و عقیده داریم صحیح و درست است و هر چه گروه مقابل می گوید و هر چه عقیده دارد، دروغ و نا درست است. تبعیض تحقق عملی و فعلیت تعصب است؛ به اضافهٔ اینکه چون ما بهتران ایم پس همه چیز از ما باشد و دیگران (غیر خودی ها) چون مثلاً از تبار و نژاد ما نیستند مستحق آن امتیازتی که ما هستیم، نمی باشند.
با در فعل در آوردن تعصب و تبعیض مهر صحه بر نابرابری آدم ها گذاشته می شود؛ وجود عینی نابرابری علت مصائب بی شمار اختلافی و تنازعی میان آدم های جامعه را فراهم میسازد که **نفرت** از نوع خطرناک این مصائب شناخته شده است. افرادی که به نفرت و تبلیغ نفرت معتقد و مشغول اند حد اقل در ساحات معینی به پلورالیسم(کثرت باوری) بی باور اند.
تبلیغ نفرت حتی وقایع انزجار آوری را که به طور آنی و اتفاقی روی می دهند و به صورت طبعی می توانند به زودی بر احساس های جامعه بی اثر باشند، ریشه دار ساخته و آنها را به رویداد های متداوم، دارای عمر دراز، آسیب گذار بر احساس های جامعه، مبدل می سازد، که ابعاد وخیم ویرانگرانهٔ آن را بیش از پیش فعال می گرداند، آری همین ها اند که تفاوت های یک حوزه، میان گروه ها را در تمام ابعاد زندگی آنها سرایت داده و آن تفاوت ها را به منظور نفرت پراگنی به تضاد های وسیع و آشتی ناپذیر تغییر ماهیت میدهند.
خصایل ناخواستنی و ناجور یک فرد متعلق به یک گروه را جهت نفرت پاشی به تمام اعضاء و وابستگان آن گروه نسبت می دهند و به این صورت موارد "نفرت زا" را از حالت فردی و شخصی آن برون آورده و به همهٔ گروه منسوبه، تعمیم می بخشند و پس از آن با ایجاد این جو نفرت زده برای منافع سیاسی و تباری خود بهره می برند.
گاهی مبلغ نفرت مثلاً در حوزهٔ سیاسی با رقیب اش در جدل است، این جدال را بنابر اشتیاق عمیق به نفرت پراگنی، به حوزه های فرهنگی، زبانی و ...نیز سرایت میدهد، چنان نشان میدهد که این اختلاف از ازل و ازل وجود داشته است و جناب "مبلغ نفرت" سعی می نمایند تا این اختلاف را با سرکوب "سلحشورانه" حل فرمایند.

در **نتیجه** باید اذهان نمود که نتایج، عواقب و آسیب های نفرت و تبلیغ نفرت چنین خواهد بود: جامعه که هر یک از اعضای آن به صورت ارگانیک به طور اجتناب ناپذیر در نفع و ضررعمومی ذی سهم است، با نفرت و تبلیغ نفرت پیوند ها و وابستگی ها، میان اعضاء لطمهٔ شدید برداشته و شکسته می شود.
اگر عواقب نفرت و تبلیغ نفرت را به دو دستهٔ وخیم که منجر به تصادمات فزیکی میگردد و دستهٔ مزمن و ظاهراً خاموش، گروپ بندی نمائیم، برای شرح صورت وخیم نفرت و تبلیغ نفرت که تصادمات فزیکی است، ما در تأریخ معاصر دنیا، نمونه های در اختیار داریم؛ در آن ممالکی که نفرت و تبلیغ نفرت مسبب وقایع و فجایع ناگواری میان گروه های انسانی آنها گردید، قبل از وقوع آن وقایع، مبلغین نفرت به صورت وسیع در اشاعه، نشر و ترویج نفرت تا توانستند، تلاش به خرج دادند، که بعداً شاهد کشتار و ریختن خون هزاران انسان بیگناه بودند و یا خود نیز در آن هیا هوی قتل عام ها نیست و نابود شدند، که نمونهٔ سمبولیک آن برخورد های سال های 1992 – 1996 میان سرب ها، کروات ها و بوسنیایی ها در یوگوسلاویای سابق است که نتایج قضایای آن فجایع ناگوار تا حال پایان نه یافته است، مثال های دیگر، سری لانکا، سودان، هایتی، رواندا و چند کشور دیگرمی باشند.
در حالت مزمن و بی صدا، نفرت و تبلیغ نفرت اقلاً از تمرکز و یگانگی نیروی همگانی مردم یا باشندگان یک کشور – که برای تأمین حفاظت از منافع عمومی آنان نیاز است – جلو گیری کرده و به صورت مزمنی آنان را به اجزای ناموافق و مخالف مبدل می سازد، اعتماد میان گروه های موجود اجتماعی در آن را از بین می برد. بخش عمدهٔ طرح های همگانی که برای حال و آیندهٔ مردم آن حیاتی است، آنرا به سبب سؤی اعتماد به همدیگر و نامتیقن بودن به آینده، خنثی نموده و یا به رکود مواجه می سازد، بستر روا داری و نیکویی و خیر خواهی به همدیگر،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

حسن تفاهم و همرنگی را زهر پاشی میکند، حس مخرب نفرت، انسان را از عشق، از سخاوتمندی، از بزرگواری، ازانعطاف، از واقعبینی، از ترحم و خلاصه از خوب و نیک اندیشیدن دور ساخته و آدمی را در ادراک این احساس ها کرخت می نماید و تعصب ها و بالنتجه تبعیض ها را مؤجه و عادلانه جلوه میدهد.
ادامهٔ عواقب ناگوار نفرت چنین خواهد بود که گروه های اجتماعی هر یک در لاک تعصب و چتر خودی محصور می شوند و از آمیزش و آمیختگی فرهنگی و نسلی حذر میکنند، خلاصه جامعه به صورت بالقوه قطعه قطعه می شود، این وضع ایده و آرمان یک کشور واحد را تهدید خواهد نمود و آنرا یک واقعیت نامؤجه جلوه خواهد داد، نفرت و تبلیغ نفرت برای کشور های که مردم شان در روند ملت شدن قرار دارند و یا در این روند قرار می گیرند، مضار و تنگناه های فراوانی را در قبال داشته و حتی رویداد های مخاطره آمیزی را برای آنها خلق خواهد نمود، در سایهٔ تاریک نفرت و نفرت پراگنی نمی توان با ایقان و اطمینان کامل از وطن مشترک، مردم متحد و یگانگی ملی نام برد، نفرت و تبلیغ نفرت دشمن خطرناک همبسته شدن و با هم شدن است، ازعواقب غیر قابل انکار تبلیغ نفرت ایجاد نیروی بالقوه در جهت از هم گسیختگی جامعه است، که توامیت ها و یکجایی بودن های انسان های جامعه را می درد.
سرزمین افغانستان برای پیشرفت و ترقی به یک نیروی وسیع و واحد نیاز دارد، که این نیروی وسیع و واحد تمام مردم سرتاسر آن می باشد، رهبری های تبارزده هرگز پوتانسیل قیادت این همه مردم وطن را نه خواهند داشت، قیادت تمام مردم کشور صرف برای آنانی میسر خواهد بود که انقیاد های تباری را قبلاً فرو ریخته باشند.
افراد و گروه های که فهمیده و یا نا فهمیده در دائرهٔ نفرت و تبلیغ نفرت قرار گرفته اند، انسان و انسانیت امروزی و خاصتاً مردم رنج کشیدهٔ افغانستان، از آنان توقع ندارند، که با وجود این همه آزمایش ها و تجارب خونین از اِعمال و تبلیغ نفرت، بازهم به حضور ایشان در این دائرهٔ جهنمی ادامه دهند، جهان خشونت زدهٔ ما از تمام انسان های که به ارزش های معنوی و انسانی معتقد اند، می خواهد که نفرت و تبلیغ نفرت را ولو با هر جامهٔ پاکی ملبس شده باشد ترک کنند و برای نسل های آینده و فرزندان ایشان دنیای بالنسبه پاکیزه تر به میراث بگذارند، کافیست طی کمتر از چهل سال با به کارگیری نفرت در فکر و در عمل، در وطن ما بدنهٔ انسانیت سوراخ سوراخ شده است که برای مداوای آن صد سال هم کافی نه خواهد بود، بستر زندگی سالم و شایستهٔ آدمی برای فرزندان ما، از ما می خواهد که به فکر نسل های بعدی خود باشیم و تعفن زهرآگین نفرت را از خود و فرزندان خود دور سازیم.

پایان

مأخذ :

1- سخنانی از جناب پروفیسر کمال سید، طبیب روانی افغان
2- آناتومی ویران سازی انسان از اریش فروم
3- «La Guerre » de bouthoul Gaston
4- «Sociologie du droit » de Levy-Bruhl, Henri
5- «Psychologie sociale » Anne- Mari Rocheblave- spenle
6- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
7- روانشناسی و ضرورت آن در افغانستان از جناب داکتر اعظم دادفر.
8- و یادداشت های پراگنده از آثار متعدد
9- قانون جزای افغانستان
10- Sociologie de Giddens

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ